اخبار و اسناد

قمرالملوک وزیری

در مطبوعات دوران قاجار تا عصر حاضر
و آرشیو اسناد ملی

به کوشش
مهدی نورمحمدی

مؤسسه‌ی فرهنگی ـ هنری ماهور
تهران ۱۳۹۹

فهرست

مقدمه ۱۱

اخبار ۲۱

۱. مقاله‌ای از قمر در روزنامهٔ شفق سرخ ۲۳
۲. پاسخ قمر به انتقادی که از او در یکی از روزنامه‌ها به چاپ رسیده بود ۲۵
۳. آگهی فروش صفحات قمر و ملوک ضرابی در مغازهٔ پولیفون ۲۶
۴. خبر کنسرت موسی معروفی و قمر در گراند هتل در روزنامهٔ ناهید ۲۷
۵. خبر کنسرت قمر در گراندهتل در روزنامهٔ ایران ۲۷
۶. خبر کنسرت قمر در گراندهتل در روزنامهٔ امید ۲۸
۷. خبر کنسرت قمر در گراندهتل در روزنامهٔ ایران ۲۸
۸. خبر ورود قمر به قزوین و اجرای کنسرت توسط او ۲۸
۹. خبر کنسرت قمر در قزوین در روزنامهٔ بازپرس ۲۹
۱۰. خبر کنسرت قمر در سالن سینما پالاس در روزنامهٔ کوشش ۳۰
۱۱. خبر کنسرت قمر در سالن سینما پالاس در روزنامهٔ کوشش ۳۰
۱۲. خبر کنسرت قمر در باغ بلدیهٔ قزوین به نفع سیل‌زدگان ۳۱
۱۳. خبر کنسرت قمر و برادران نی‌داود در روزنامهٔ کوشش ۳۱
۱۴. خبر کنسرت قمر و برادران نی‌داود در روزنامهٔ کوشش ۳۲
۱۵. خبر کنسرت قمر و برادران نی‌داود در روزنامهٔ ایران ۳۲
۱۶. خبر کنسرت قمر با صبا و کاموسی در روزنامهٔ اطلاعات ۳۲
۱۷. خبر کنسرت قمر و اسماعیل کمالی در کافه‌رستوران نادر ۳۳

۱۸. خبر کنسرت قمر با طاطایی و کمالی در کافه‌رستوران شمشاد ۳۳
۱۹. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۲۰ ..... ۳۳
۲۰. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۲۰ ..... ۳۴
۲۱. خبر کنسرت قمر در مجلهٔ اطلاعات هفتگی ۳۴
۲۲. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۲۰ ..... ۳۵
۲۳. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ جمعه ۲۴ بهمن ۱۳۲۰ ..... ۳۵
۲۴. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۲۰ ..... ۳۶
۲۵. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ دوشنبه ۴ اسفند ۱۳۲۰ ..... ۳۶
۲۶. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۲۰ ..... ۳۷
۲۷. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۲۰ ..... ۳۷
۲۸. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۲۱ ..... ۳۸
۲۹. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۲۱ ..... ۳۸
۳۰. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ دوشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۲۱ ..... ۳۸
۳۱. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۱ ..... ۳۹
۳۲. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ جمعه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۱ ..... ۳۹
۳۳. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۱ ..... ۴۰
۳۴. برنامهٔ قمر در موسیقی رادیو ـ دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۱ ..... ۴۰
۳۵. خاطرات قمرالملوک وزیری در روزنامهٔ آسیای جوان ـ ۱ ..... ۴۱
۳۶. خاطرات قمرالملوک وزیری در روزنامهٔ آسیای جوان ـ ۲ ..... ۴۴
۳۷. خاطرات قمرالملوک وزیری در روزنامهٔ آسیای جوان ـ ۳ ..... ۴۹
۳۸. خاطرات قمرالملوک وزیری در روزنامهٔ آسیای جوان ـ ۴ ..... ۵۳
۳۹. گزارشی دربارهٔ قمر با امضای مستعار سین در مجلهٔ روشنفکر ۵۶
۴۰. گزارشی دربارهٔ قمر در مجلهٔ خواندنی‌ها ۶۲
۴۱. گزارشی دربارهٔ قمر در مجلهٔ امید ایران ۶۴
۴۲. گزارشی از جلال میزبان دربارهٔ قمر در مجلهٔ روشنفکر ۶۶
۴۳. گزارشی دربارهٔ قمر در مجلهٔ تهران مصور ۶۸
۴۴. گزارشی از جلال میزبان دربارهٔ قمر در مجلهٔ فردوسی ۷۰
۴۵. نوشته‌ای دربارهٔ قمر در مجلهٔ خواندنی‌ها ۷۲
۴۶. نوشته‌ای دربارهٔ قمر در مجلهٔ رادیو تهران ۷۴
۴۷. نوشته‌ای دربارهٔ قمر در مجلهٔ خواندنی‌ها ۷۸

۴۸. مخالفت مجلس سنا با کمک مالی به قمر و روح‌انگیز ۸۰
۴۹. عذرخواهی قمر از شرکت در فیلم سینمایی ۸۲
۵۰. گزارشی دربارهٔ بیماری و سکتهٔ قمر ۸۳
۵۱. خبری دربارهٔ سه بار سکتهٔ قمر در مجلهٔ تهران مصور ۸۶
۵۲. گزارشی دربارهٔ دیدار بانوان هنرمند با قمر ۸۶
۵۳. برآورده شدن آرزوی قمر دربارهٔ ازدواج پسرخوانده‌اش ۸۸
۵۴. گزارشی دربارهٔ حضور قمر در رادیو بعد از بیماری ۸۹
۵۵. خبری دربارهٔ تصمیم هنرمندان مبنی بر جمع‌آوری اعانه برای قمر ۹۲
۵۶. خبر حضور قمر در برنامهٔ تلویزیون در مجلهٔ تهران مصور ۹۲
۵۷. گزارشی دربارهٔ فوت قمر به قلم ا. میرسعیدی در اطلاعات جوانان ۹۳
۵۸. گزارشی دربارهٔ فوت قمر در کیهان ۱۰۰
۵۹. گزارشی دربارهٔ فوت قمر در اطلاعات ۱۰۳
۶۰. آگهی درگذشت و مجلس ترحیم قمر توسط پسرخواندهٔ او ۱۰۴
۶۱. اظهارنظر هنرمندان و موسیقی‌دانان دربارهٔ قمر ۱۰۵
۶۲. مختصری از زندگی قمر در روزنامهٔ کیهان ۱۰۸
۶۳. مقالهٔ عبدالرحمن فرامرزی دربارهٔ مرگ قمر ۱۱۱
۶۴. گزارشی دربارهٔ مرگ قمر در مجلهٔ خواندنی‌ها ۱۱۳
۶۵. شعری در رثای قمر، سرودهٔ محمد کلانتری ۱۱۷
۶۶. آگهی مراسم شب هفت قمر در مقبرهٔ ظهیرالدوله در کیهان ۱۱۸
۶۷. مقاله‌ای دربارهٔ درگذشت قمر در آسیای جوان ۱۱۹
۶۸. نامهٔ قمر به هنرمندان ۱۲۱
۶۹. مقاله‌ای دربارهٔ قمر در مجلهٔ سپید و سیاه ۱۲۴
۷۰. مقاله‌ای دربارهٔ قمر به قلم: هاشم در اطلاعات هفتگی ۱۲۷
۷۱. مقاله‌ای دربارهٔ قمر به قلم: عبدالله الفت در مجهٔ ترقی ۱۲۹
۷۲. مقاله‌ای دربارهٔ قمر به قلم: ع. پ در مجلهٔ خواندنی‌ها ۱۳۳
۷۳. شعری در رثای قمر، سرودهٔ حسن جداری در مجلهٔ خواندنی‌ها ۱۳۴
۷۴. تشکر پسرخواندهٔ قمر از عموم بابت شرکت در مراسم شب هفت قمر ۱۳۵
۷۵. مقاله‌ای دربارهٔ قمر و درگذشت او در مجلهٔ تهران مصور ۱۳۶
۷۶. پیشنهاد ساخت بنای یادبود آرامگاه قمر ۱۴۰
۷۷. نوازندگی علی‌اکبر شهنازی به یاد قمر ۱۴۰

۷۸. نبود سالن مناسب برای برگزاری بزرگداشت قمر ۱۴۱
۷۹. پیشنهاد اختصاص زمین برای ایجاد گورستان هنرمندان پس از مرگ قمر ۱۴۱
۸۰. مقاله‌ای در یادبود قمر در مجلهٔ رادیو ایران ۱۴۲
۸۱. گزارشی از برگزاری مجلس یادبود قمر در اطلاعات ۱۴۵
۸۲. گزارشی از برگزاری مجلس یادبود قمر در مجلهٔ ترقی ۱۴۹
۸۳. مقاله‌ای به یاد قمر، به قلم: تقی بینش در روزنامهٔ هیرمند ۱۵۰
۸۴. مقاله‌ای دربارهٔ قمر در مجلهٔ موسیقی رادیو ایران ۱۵۴
۸۵. مقاله‌ای دربارهٔ قمر در مجلهٔ موزیک ایران ۱۵۵
۸۶. گفتگوی دکتر ساسان سپنتا با قمر در مجلهٔ موزیک ایران ۱۶۱
۸۷. مقاله‌ای دربارهٔ قمر، به قلم پرویز نقیبی در مجلهٔ روشنفکر ـ ۱ ..... ۱۶۴
۸۸. نکته‌هایی دربارهٔ قمر ـ ۱ ..... ۱۶۷
۸۹. مقاله‌ای دربارهٔ قمر، به قلم پرویز نقیبی در مجهٔ روشنفکر ـ ۲ ..... ۱۶۹
۹۰. نکته‌هایی دربارهٔ قمر ـ ۲ ..... ۱۷۰
۹۱. مصاحبهٔ کوتاه یکی از دوستداران قمر با او ۱۷۱
۹۲. مقاله‌ای دربارهٔ قمر، به قلم پرویز نقیبی در مجلهٔ روشنفکر ـ ۳ ..... ۱۷۲
۹۳. نکته‌هایی دربارهٔ قمر ـ ۳ ..... ۱۷۸
۹۴. مقاله‌ای دربارهٔ قمر به قلم حسینعلی ملاح ۱۷۸
۹۵. گزارشی دربارهٔ سالروز مرگ قمر در کیهان ۲۰۶
۹۶. گفتگو با محمدعلی امیرجاهد دربارهٔ قمر ۲۱۱
۹۷. گزارشی دربارهٔ قمر در مجلهٔ تماشا ۲۱۲
۹۸. ویژه‌نامهٔ قمر در روزنامهٔ اطلاعات ۲۲۶
۹۹. گفتگو با مرتضی نی‌داود دربارهٔ قمر ۲۳۲
۱۰۰. گفتگو با ملوک ضرابی دربارهٔ قمر ۲۳۵
۱۰۱. گفتگو با علی‌اکبر شهنازی دربارهٔ قمر ۲۳۶
۱۰۲. خاطره‌ای از سال‌های آخر عمر قمر ۲۳۷
۱۰۳. خاطره‌ای از سال‌های آخر عمر قمر به روایت معینی کرمانشاهی ۲۳۸
۱۰۴. ویژه‌نامهٔ هفدهمین سالگرد درگذشت قمر در روزنامهٔ کیهان ۲۴۰
۱۰۵. نوشته و خاطراتی دربارهٔ قمر به قلم ثمین باغچه‌بان ۲۴۲
۱۰۶. نوشته‌ای دربارهٔ قمر به قلم افشین بزرگان ۲۵۱
۱۰۷. خاطرات بیژن ترقی از قمر ۲۵۶

اسناد ۲۶۱

۱. شکایت حبیب سلمانی از قمر به دادستان ۲۶۳
۲. شکایت حبیب سلمانی از قمر به ریاست دادگاه بدوی ۲۶۳
۳. نامهٔ ریاست دادگاه بدوی به کلانتری دربارهٔ تحقیق از موضوع شکایت ۲۶۴
۴. پاسخ کلانتری به ریاست دادگاه بدوی ۲۶۵
۵. نامهٔ رئیس دادگاه بدوی به نمایندهٔ دفتر اسناد رسمی ۵۵ ..... ۲۶۶
۶. ارسال رونوشت قرارداد بین قمر و حبیب سلمانی توسط دفتر اسناد رسمی ۵۵ ..... ۲۶۷
۷. نامهٔ بازپرس به رئیس دادگاه بدوی مبنی قرار منع تعقیب جزایی قمر ۲۶۸
۸. نامهٔ رئیس دادگاه بدوی به بازپرس و ردّ نظر وی ۲۶۸
۹. نامهٔ رئیس دادگاه بدوی به دادگاه تجدیدنظر برای رفع اختلاف ۲۷۰
۱۰. نامهٔ کفیل دادگاه تجدیدنظر به رئیس شعبهٔ اول دادگاه تجدیدنظر ۲۷۰
۱۱. رأی دادگاه تجدیدنظر مبنی بر فسخ نظر بازپرس و صدور قرار اِناطه ۲۷۱
۱۲. نامهٔ کفیل دادگاه تجدیدنظر به ریاست دادگاه بدوی ۲۷۲
۱۳. رونوشت رأی شعبهٔ ۵ دادگاه تجدیدنظر ۲۷۲
۱۴. نامهٔ وکیل افتخاری حبیب سلمانی به قاضی تحقیق شعبهٔ ۳ ..... ۲۷۴
۱۵. نامهٔ قمر به پهلبد و تشکر بابت حمایت از هنرمندان ۲۷۵

منتخب تصاویری از اخبار ۲۷۷

تصاویر اسناد ۲۸۹

تصاویر قمرالملوک وزیری در مطبوعات ۳۰۷

نمایه ۳۲۷

مقدمه

در میان چهره‌های مشهور موسیقی اصیل ایرانی، اگر بخواهیم از کسانی که موسیقی و هنر خود را با نیکوکاری، کمک به مستمندان و دستگیری از بینوایان درآمیخته‌اند نام ببریم، بدون شک نام قمرالملوک وزیری در صدر آنان خواهد بود.

قمر سراسر عمر خود را در کمک به طبقات محروم و فرودست گذراند و آنچه از اجرای برنامه‌های موسیقی اعم از کنسرت، ضبط صفحات گرامافون و اجرا در محافل خصوصی به دست آورد، در طبق اخلاص گذارد.

قمر زنی سخاوتمند و بخشنده بود که از بخشیدن لذت می‌برد و آرامش می‌یافت. چه بسیار دخترانی که با کمک او به خانه‌ی بخت رفتند، پسرانی که با سرمایه‌ی او موفق به ازدواج و تشکیل خانواده شدند، یتیمانی که دستان نوازشگر و مهربان قمر جای خالی مهر پدر و مادر را برای آنان پر کرد و نیازمندانی که قمر کریمانه مددرسان معاش آنان بود.

به گواهی خاطرات مکتوب و شفاهی به جا مانده، قمر نه تنها به محرومین و بیچارگان یاری می‌رساند بلکه غمخوار و دلسوز حیوانات نیز بود. برای حیوانات آسیب‌دیده غذا می‌برد و آنان را تیمار می‌کرد.

وی این خصلت‌های نیک را حتی تا پایان عمر و در روزهای بیماری و نداری نیز حفظ کرد. از این نظر، قمر نه تنها در میان موسیقی‌دانان بلکه افراد مشهور جامعه‌ی هنری ایران نیز یکتا و بی‌همتاست.

به جز صفات والای انسانی و اخلاقی، یکی دیگر از ویژگی‌های ارزنده‌ی قمر، حفظ اصالت و شأن هنری است. بدین معنی که در طول سال‌ها فعالیت در عرصه‌ی هنر، هرگز از موازین موسیقی فاخر و چهارچوب موسیقی دستگاهی ایران خارج نشد و هیچ‌گاه به ورطه‌ی ابتذال و موسیقی مطربی درنغلطید.

در میان صفحات باقی‌مانده از قمر، حتی یک نمونه نیز نمی‌توان یافت که آثار نازل، بی‌کیفیت و مبتذل اجرا کرده و یا از اشعار ضعیف و سست سود جسته باشد.

قمر به خاطر این ویژگی، مورد ستایش شعرای گوناگون قرار گرفته که در این میان، به تنهایی این شعر استاد جلال‌الدین همایی:

ستارگان هنر بس دمیده‌اند و هنـوز شبان تیرهٔ عشاق روشن از قمر است

مُهر تأییدی بر عیار بالای هنری این بانوی هنرمند محسوب می‌شود.

سومین ویژگی مهم قمر، خدمت به اجتماع از طریق هنر و حضور مؤثر در عرصه‌های اجتماعی است که برای نمونه می‌توان به اجرای کنسرت به نفع سیل‌زدگان، حریق‌زدگان و زلزله‌زدگان، کنسرت به نفع ساخت مقبره‌ی فردوسی و کنسرت به نفع هنرمندان قدیمی همچون شکرالله قهرمانی اشاره کرد.

داشتن صدای خوش در خانواده‌ی قمرالملوک وزیری موروثی بود. مادربزرگش خیرالنساء و مادرش طوبی نیز صدایی خوب و دلنشین داشتند. قمر از محافل مذهبی پا به عرصه‌ی موسیقی گذارد. مادربزرگش که در محافل زنانه در دربار قاجار روضه و مرثیه می‌خواند، وی را که از کودکی از داشتن پدر و مادر محروم بود با خود به این مجالس می‌برد که همین مسئله، زمینه‌ساز آشنایی او با نغمات و گوشه‌های موسیقی اصیل ایرانی شد و سرانجام نیز وی را به وادی موسیقی مجلسی رهنمون ساخت.

این زمینه‌ی مذهبی که از کودکی در ضمیر وی بود، در اواخر عمرش نیز افزایش یافت، به طوری که در مصاحبه‌ای از آرزوی خود برای رفتن به کربلا سخن به میان آورد. به هیچ وجه نمی‌توان کتمان کرد که این آرزوی ایام پیری، ریشه در دوران کودکی و حضور در همان محافل مذهبی زنانه دارد.

قمر از واقعیت تلخی که معمولاً در اواخر حیات هنری گریبانگیر افراد مشهور می‌شود در امان نماند و شهرت و محبوبیت وی به دلیل بالا رفتن سنین عمر، ظهور صداها و چهره‌های جدید در عرصه‌ی موسیقی و اقبال مردم به آنان رو به افول گذارد.

بدین ترتیب، زنی که روزگاری زینت‌بخش محافل رجال مقتدری چون داور و تیمورتاش بود و هوادارانش دهان وی را با اشرفی پر می‌کردند، در انزوا، فراموشی و فقر درگذشت.

قمرالملوک وزیری یکی از سرشناس‌ترین چهره‌های موسیقی اصیل ایرانی است که با وجود شهرت و محبوبیت کم‌نظیر که بیش از دو دهه به طول انجامید، درباره‌ی بعضی از فرازهای زندگی شخصی و هنری وی اطلاعات و دانسته‌های روشنی در دست نیست

و منابع گوناگون ــ حتی در زمان حیات او ــ در این خصوص یکسان سخن نگفته‌اند. با وجود این که شش دهه از مرگ قمر می‌گذرد، هنوز نکات مبهم و اظهارات متناقضی درباره‌ی او منتشر می‌شود. به عنوان نمونه، به برخی از این ابهامات و تناقضات اشاره می‌کنیم:

- یکی از مهم‌ترین نکات مبهم زندگی قمر، نبود اطلاعات و آگاهی درباره‌ی زادگاه اوست، به طوری که عده‌ای محل تولد او را کاشان[۱]، برخی تاکستان[۲] قزوین و عده‌ای دیگر تهران می‌دانند.
- دیگر موضوعی که درباره‌ی آن اطلاع دقیقی در دست نیست، تعداد ازدواج‌های اوست. با وجود این که زبیده جهانگیری (۱۳۲۰–۱۳۹۸) دخترخوانده‌ی قمر، در کتاب خود[۳] با قاطعیت تعداد ازدواج‌های او را منحصر به دو مورد دانسته است، برخی از اخبار و مدارک کتاب حاضر با این عقیده همخوانی ندارد.
- اگرچه زبیده جهانگیری، به مرده به‌دنیاآمدن کودک حاصل از ازدواج قمر با سید علی‌اصغر شیخ‌الاسلامی (۱۲۷۷–۱۳۴۳) معروف به مسیو اصغر اشاره کرده، حسینعلی ملاح در مقاله‌ی خود در مجله‌ی «پیام نوین»، سخن از عقده‌ی بزرگ عقیم بودن قمر به میان آورده که در منابع دیگر به آن اشاره‌ای نشده و از آن‌جا که این مسئله نقش مهمی در بازشناسی رفتارهای شخصی و اجتماعی وی دارد، باب پژوهش در این خصوص همچنان باز خواهد بود.
- زبیده جهانگیری در کتاب خود، بر این اعتقاد است که مسیو اصغر شوهر قمر، وی را به مرفین مبتلا کرده و همین مسئله باعث سقط جنین قمر شده است، در حالی که روایت دکتر حسام‌الدین خُرُمی با این گفته همخوانی ندارد.

---

۱. زبیده جهانگیری در این خصوص می‌نویسد: «پدر و مادر او کاشانی بودند. در همان شهر ازدواج کرده و به توصیه‌ی فامیل و به ویژه مادربزرگ و به اعتبار این که دختران بزرگ او و فرزندانشان ساکن تهران بودند به پایتخت آمدند.» (قمری که خورشید شد، ص ۲۹)

۲. تاکستان که در ۳۴ کیلومتری جنوب غربی قزوین واقع و اینک تبدیل به شهر شده است، در گذشته مرکز دهستان رامند قزوین بود و در حدود سال ۱۳۳۵ خورشیدی، افزون بر ۸ هزار نفر جمعیت داشت. اهالی این منطقه که به زبان تاتی صحبت می‌کنند و تبار آن‌ها به مادها می‌رسد، از دو طایفه‌ی رحمانی و طاهرخانی تشکیل شده و به هیچ وجه در این دو طایفه سید وجود ندارد. با توجه به سیادت قمر (بر اساس تصویر شناسنامه‌ی او که در کتاب آوای مهربانی تألیف زهره خالقی به چاپ رسیده، نام پدر او سید حسن ذکر شده) و همچنین سید نبودن مردم تاکستان، انتساب او به این منطقه نادرست است. چون قمر مدتی در قزوین سکونت داشته و یکی از دوستان و حامیان او به نام بحرینی که از ملاکین تاکستان بوده، وی را در جوانی مورد حمایت خود قرار داده، ممکن است این مسئله باعث ابراز چنین نظری شده باشد.

۳. قمری که خورشید شد، زبیده جهانگیری، با مقدمه‌ی اسماعیل جسیم، لوس‌آنجلس: شرکت کتاب، ۱۳۹۴، ص ۹۶.

- زبیده جهانگیری درباره‌ی مسیو اصغر می‌نویسد وی فرزند رئیس‌المجاهدین قزوین و یک سال قبل از ازدواج با قمر از سفر فرانسه به ایران بازگشته بود[۴] و پرویز خطیبی روزنامه‌نگار، شاعر و ترانه‌سرای معاصر (۱۳۰۲ـ۱۳۷۲) نیز در خاطرات[۵] خود، از قول موسی نی‌داود نوشته است وی شخصی عیسوی بود که به خاطر ازدواج با قمر حاضر به قبول اسلام شد!

هر دو نظر آمیخته با اشتباه و یا اشتباه است. سید علی‌اصغر شیخ‌الاسلامی فرزند میرزا ابوتراب شیخ‌الاسلام و خواهرزاده و داماد میرزا حسن شیخ‌الاسلام (معروف به رئیس‌المجاهدین، از مجاهدین صدر مشروطه و از فاتحین تهران) بود.

این خانواده که نسب آن‌ها به میر سید حسین عاملی[۶] (معروف به خاتم‌المجتهدین) و از او به امام جعفر صادق (ع) می‌رسد، در دوره‌ی سلطنت شاه طهماسب صفوی از جبل عامل به قزوین تختگاه صفویان آمدند و در این شهر ساکن شدند.

علی‌اصغر شیخ‌الاسلامی در کودکی و نوجوانی در حدود ده سال در تفلیس به تحصیل پرداخت و به خاطر فرنگی‌مآبی و اقامت در روسیه، مردم قزوین به او لقب مسیو اصغر دادند. بنا بر اظهارات افراد مطلعِ خاندانِ شیخ‌الاسلامی[۷]، وی هیچ‌گاه در فرانسه اقامت نداشته است.

قابل ذکر است که سید عبدالله شیخ‌الاسلامی معروف به امجدالوزاره که از دوستان نزدیک دوره‌ی جوانی عارف قزوینی بود و عارف در دیوان خود از او نام برده، عمو و باجناق مسیو اصغر بوده است.

- اگرچه برخی از نویسندگان و موسیقی‌دانان، تاریخ اجرای اولین کنسرت قمر را سال ۱۳۰۳ دانسته‌اند، هنوز سند معتبری در این خصوص دیده نشده است. از همین روی، به دو دلیل ممکن است نخستین کنسرت قمر در این سال اجرا نشده باشد:

دلیل اول این که برخی پژوهشگرانِ حوزه‌ی موسیقی که اجرای اولین کنسرت قمر را در سال ۱۳۰۳ دانسته‌اند، بر این عقیده‌اند که او در این کنسرت، تصنیف مرغ سحر ملک‌الشعرای بهار را اجرا کرده، درحالی‌که مرغ سحر در سال ۱۳۰۶ ساخته شده است.

---

۴. قمری که خورشید شد، ص ۸۳.

۵. خاطراتی از هنرمندان، پرویز خطیبی، به کوشش: فیروزه خطیبی، انتشارات معین، ۱۳۸۰، ص ۳۴.

۶. وی صاحب تألیفات متعدد و نواده‌ی محقق کرکی (محقق ثانی) و خاله‌زاده‌ی میرداماد بوده است. درباره‌ی نفوذ رأی و مرتبت شأن او و مطالب مهمی در «تاریخ عالم‌آرای عباسی» و «فهرست ریاض‌العلما» آمده است.

۷. بنا بر اظهارات معمرین خاندان شیخ‌الاسلامی و بستگان مسیو اصغر، ازدواج وی با قمر به صورت موقت بوده است.

بر همین اساس، یا اولین کنسرت قمر در سال ۱۳۰۳ به اجرا درنیامده و یا این که قمر هرگز تصنیف مرغ سحر را در این کنسرت نخوانده است.

دومین دلیل این است که قمر گفته است در اولین کنسرت خود، شعری از ایرج میرزا را به یاد او خوانده است. (خبر ۶۱)

از این گفته، نتیجه گرفته می‌شود که در هنگام اجرای این کنسرت، ایرج میرزا در قید حیات نبوده است و توجه به تاریخ درگذشت ایرج میرزا (۲۲ اسفند ۱۳۰۴)، تردیدها را برای اجرای نخستین کنسرت او در سال ۱۳۰۳ افزایش می‌دهد. بر همین اساس، تأیید یا ردّ این موضوع، نیازمند دستیابی به اسناد و مدارک بیشتری است و باب تحقیق در این خصوص همچنان باز خواهد بود.

- درباره‌ی اجرای تصنیف «مرغ سحر» در کنسرت و یا ضبط آن در صفحات گرامافون توسط قمر سند معتبری به دست نیامده و یا نمونه‌ای از این صفحه دیده نشده است.
- اگرچه در خاطرات قمر و نوشته‌های دکتر ساسان سپنتا و زبیده جهانگیری به ضبط «مارش جمهوری» عارف در صفحات گرامافون توسط قمر اشاره شده، هنوز سند معتبری در این خصوص به دست نیامده و نمونه‌ای از این صفحه دیده نشده است.

زبیده جهانگیری در این خصوص نوشته است: «مهندس محمدعلی گلشن ابراهیمی بنیانگذار فرهنگ صوتی ایران بارها ضمن گفتگو با نویسنده مؤکداً گفت که صفحه‌ی جمهوری را جزء آثار مامان قمر دارد و سالم و پاکیزه است. می‌گفت در آن زمان که تحویل صفحه‌ها موقوف شد، یکی دو تا از کارمندان پست در غیاب مأمور مخصوص به سراغ بسته‌ها رفته و از صفحه‌ها یکی دو تا برای خودشان برمی‌دارند. سال‌ها بعد، این کارمند دلسوز و هنردوست این صفحه را در اختیار مهندس گلشن ابراهیمی می‌گذارد که آن مردِ باشرفِ خدمتگزار هم قبل از درگذشتش در مرداد ۱۳۸۰ این آثار را به ملت ایران تقدیم کرد که اکنون باید در موزه‌ی موسیقی باشد.»[۸]

- با این که زبیده جهانگیری در کتاب خود، منکر نیاز قمر به کمک‌های مالی در اواخر عمر شده، برخی مدارک کتاب حاضر و از جمله مندرجات روزنامه‌ی آژنگ (خبر ۵۵) با این نظر همخوانی ندارد.

با توجه به تأثیر و نقش قمر در موسیقی ایرانی، ضروری است که زوایای گوناگون زندگی او به دقت و به دور از هر گونه اشتباه و تحریف مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد و این مسئله، مستلزم دستیابی به آگاهی‌ها و اطلاعات جدید درباره‌ی اوست.

---

۸. قمری که خورشید شد، صص۶۳ و ۶۴.

نگارنده ضمن ارج نهادن به کوشش‌های تمام کسانی که درباره‌ی قمر، پژوهش‌هایی را به انجام رسانیده‌اند[۹]، کتاب حاضر را بر اساس اخبار روزنامه‌ها و مجلات قدیمی و اسناد تاریخی به محضر علاقه‌مندان عرضه می‌دارد، بدین امید که این کوشش ناچیز موجب شناخت بیشتر قمر و آثار او و منبع و منشأ پژوهش‌های بعدی درباره‌ی وی باشد.

کتاب حاضر در دو بخش تنظیم شده است: بخش اول حاصل جستجو در مطبوعات دوره‌ی پهلوی اول و دوم است که برخی از آنان کمیاب، دیریاب و نایاب هستند و شادروان استاد ایرج افشار نیز در کتاب ارزشمند «فهرست مقالات فارسی در زمینه‌ی تحقیقات ایرانی» اشاره‌ای به آن‌ها نکرده است.

در این بخش، هر گونه خبر مرتبط با قمرالملوک وزیری اعم از اعلان کنسرت‌ها و اعلان فروش صفحات قمر، خاطرات و نوشته‌های قمر، برنامه‌های او در رادیو، خاطرات دیگران درباره‌ی وی، نوشته‌ها درباره‌ی او و اخبار بیماری، مرگ و خاکسپاری قمر گردآوری شده است که مطالعه و بررسی آن‌ها موجب دستیابی به اطلاعات فراوان و شناخت بیشترِ این چهره‌ی فرهنگی، هنری و اجتماعی خواهد شد.

ترتیب چاپ این مطالب در کتاب بر اساس تاریخ چاپ آن‌ها در مطبوعات است تا خواننده از لحاظ تاریخی در جریان اخبار و وقایع مرتبط با قمر قرار گیرد و به آگاهی، شناخت و نتیجه‌گیری دقیق‌تری درباره‌ی وی دست یابد.

نگارنده برای هر خبر شماره‌ای قرار داد و عنوانی انتخاب کرد تا ارجاع به آن راحت‌تر باشد و بار عاطفی آن سریع‌تر به مخاطبین منتقل شود.

ممکن است هنوز روزنامه‌ها و مجلاتی بتوان یافت که از دید و دسترس نگارنده دور مانده باشد، چنانچه به چنین مواردی دستیابی حاصل شد، در چاپ‌های بعدی به کتاب افزوده خواهد شد.

در نگاهی گذرا، برخی از ویژگی‌های مهم اخبار مندرج در قسمت اول کتاب که حاوی نکات ارزشمندی درباره‌ی قمر است و اطلاعات مهم و بعضاً تازه‌یابی را در اختیار علاقه‌مندان و محققین قرار می‌دهد عبارتند از:

- قمر به همراه موسی معروفی برای نخستین بار کنسرتی را در دستگاه نوا اجرا کرده که بر مبنای آگهی آن، اجرای صحنه‌ای آن تا سال ۱۳۰۷ در ایران سابقه نداشته است. (خبر شماره‌ی ۴)

---

۹. از جمله مرحومه زبیده جهانگیری و خانم زهره خالقی مؤلف کتاب «آوای مهربانی» (یادواره‌ی قمرالملوک وزیری)، انتشارات دنیای مادر، تهران: ۱۳۷۳.

لازم به ذکر است دستگاه نوا به همراه راست‌پنجگاه جزو دستگاه‌های مهجور ایرانی بود که در گذشته، بسیار به ندرت توسط موسیقی‌دانان اجرا می‌شد.

- در سال ۱۳۰۷ و سال‌های بعد از آن، در مطبوعات از هنرمند، خواننده یا موسیقی‌دان با لفظ آرتیست یاد می‌شده است. (خبر ۴)
- قمر در سال ۱۳۱۵ همراه با ابوالحسن صبا کنسرتی را در سالن سینما تهران اجرا کرده است. (۱۶)
- مرور برنامه‌های موسیقی رادیو در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ حاکی از این است که قمر همراه با نوازندگی اساتیدی چون: علی‌اکبر شهنازی، مرتضی محجوبی، ابوالحسن صبا، حبیب سماعی و مهدی خالدی در رادیو به اجرای برنامه پرداخته است. (۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲ و ۳۳)
- قمر بعد از عارف و کلنل وزیری سومین هنرمندی است که برای کمک به ساخت مقبره‌ی فردوسی کنسرت داده است. (۳۷)
- برنامه‌ی قمر در رادیو از مهر ۱۳۳۲ به خاطر بیماری فشار خون و سکته قطع شده است. (۳۹)
- در مورد ازدواج‌های قمر اطلاعات مفید و مهمی به دست می‌دهد. (۳۹، ۴۲ و ۵۷)
- قمر در اواخر عمر، آرزوی رفتن به کربلا را در سر داشته است. (۴۳ و ۵۰)
- قمر در اثر بیماری و سکته، از فروردین سال ۱۳۳۳ موفق به خواندن نشده و به اصطلاح، لب به خواندن باز نکرده است. (۴۴)
- اولین سکته‌ی او در سال ۱۳۳۳ روی داده است. (۴۷)
- قمر در سال ۱۳۱۶ به مریدان محمدحسن مراغه‌ای (ملقب به محبوب علیشاه) پیوسته و در جرگه‌ی دراویش درآمده است. (۴۷)
- در هنگام درگذشت قمر، تهران تا آن زمان فاقد یک سالن مناسب برای برگزاری مجلس بزرگداشت درگذشتگان موسیقی و یا اجرای کنسرت به یاد آنان بوده است. (۷۸)
- اندیشه‌ی اختصاص قطعه زمینی برای گورستان هنرمندان، بعد از درگذشت قمر بین هنرمندان ایجاد شده است. (۷۹)
- تصنیف «مرغ سحر» را قمر نخوانده و در صفحه ضبط نکرده است. (۹۸ و ۹۹)
- قمر را یک پزشک به مرفین مبتلا کرده است. (۹۸)

بخش دوم کتاب، ۱۵ سند درباره‌ی قمرالملوک وزیری است که همگی از آرشیو اسناد سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران استخراج شده‌اند و به طور حتم برای

علاقه‌مندان قمر حاوی مطالب نو و جالبی است. سند شماره‌ی ۱ تا سند شماره‌ی ۱۴ این مجموعه، مربوط به پرونده‌ی شکایت حبیب سلمانی از قمرالملوک وزیری در سال ۱۳۰۹ خورشیدی است.

در یک نگاه اجمالی، خلاصه‌ی این پرونده به شرح زیر است:

استاد حبیب سلمانی پدر دختر چهارساله‌ای است که مدعی است قراردادی در دفتر اسناد رسمی با قمر منعقد کرده که بر اساس آن، قمر متعهد گردیده با پرداخت شصت تومان، از فرزند او نگهداری و او را بزرگ کند اما قمر تنها ده تومان پرداخت کرده و علاوه بر آن که پنجاه تومان باقی‌مانده را نمی‌پردازد، دختر خردسال را نیز مخفی کرده و از تحویل وی خودداری می‌کند.

با شکایت حبیب سلمانی از قمر به دادستانی، پرونده به ریاست دادگاه بدوی و از آن جا به بازپرس شعبه‌ی ۳ جزا منتقل می‌شود. بازپرس مربوطه چنین نظر می‌دهد که جرم منسوب به قمر مشمول ماده‌ی ۱۹۷ قانون مجازات عمومی نیست و به همین دلیل، قرار منع تعقیب صادر می‌کند اما ریاست دادگاه بدوی چنین نظر می‌دهد که خودداری قمر از تحویل کودک به پدرش محرز و بر همین اساس، وی با توجه به ماده‌ی ۱۹۷ قانون مجازات عمومی قابل تعقیب است.

با باقی بودن بازپرس شعبه‌ی ۳ بر نظر خود، پرونده جهت رفع اختلاف به دادگاه تجدیدنظر فرستاده می‌شود و در نهایت، این دادگاه بر فسخ نظر بازپرس شعبه‌ی ۳ و صدور قرار اِناطه رأی می‌دهد.

آخرین سند این پرونده، نامه‌ی اسماعیل فرزانه وکیل افتخاری حبیب سلمانی به قاضی تحقیق شعبه‌ی ۳ است که بر مبنای آن، تقاضا کرده است رونوشت رأی دادگاه تجدیدنظر را برای او ارسال نمایند که این خواسته مورد موافقت قرار گرفته است.

چون متأسفانه ادامه‌ی این پرونده در آرشیو اسناد سازمان اسناد ملی ایران وجود ندارد، پایان این ماجرا به درستی مشخص نیست.

لازم به ذکر است از قول جواد بدیع‌زاده خواننده‌ی مشهور مطلبی در مجله‌ی پیام نوین به چاپ رسیده است که شاید اشاره به این قضیه داشته باشد. روایت وی را بدون هیچ گونه توضیح و اظهارنظر نقل می‌نمائیم: «زن و مرد تنگدستی از استیصال و درماندگی دختر دوساله‌ی خود را سر راه می‌گذارند و خودشان در گوشه‌ای او را زیر نظر می‌گیرند. قمر این طفل را می‌بیند و دلش به حال وی می‌سوزد و او را به منزل می‌برد و به تربیتش می‌پردازد. چند روز بعد، پدر دختر به دیدار قمر می‌رود و مبلغی از وی می‌گیرد و شرط می‌کند که دیگر به دیدن دخترش نیاید.

دخترک بزرگ می‌شود و به رشد می‌رسد. روزی همان مرد تهی‌دست به منزل قمر می‌آید و می‌گوید آمده‌ام دخترم را بگیرم. قمر پس از صحبت‌های بسیار، پیرمرد را راضی می‌کند که پنجاه تومان دریافت کند و از حق خود صرف‌نظر نماید.»[۱۰]

آخرین سند بخش اسناد، نامه‌ی قمر به مهرداد پهلبد رئیس اداره‌ی کل هنرهای زیبای کشور و وزیر فرهنگ بعدی است که در دهم مرداد سال ۱۳۳۵ از او بابت حمایت و ابراز لطف مخصوص سپاسگزاری کرده است.

* * *

در پایان باید به این نکته اذعان کرد که چاپ این اثر بدون بررسی روزنامه‌ها و مجلات قدیمی که بعضاً دستیابی به آن‌ها بسیار مشکل و جانفرساست امکان‌پذیر نبود.

از همین روی تشکر و قدرشناسی از دوستان و بزرگوارانی که امکان دسترسی نگارنده به روزنامه‌ها و مجلات قدیمی را فراهم کردند و یا مجموعه‌ی خود را در اختیار اینجانب قرار دادند بر نگارنده فرض است:

از جناب آقای عنایت‌الله رحمانی مسئول بخش نشریات دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جناب آقای رضا زارعی قدیم مسئول بخش نشریات کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی و سرکار خانم مهران آشوری مسئول بخش نشریات کتابخانه‌ی دانشگاه تهران که صمیمانه و بدون هیچ‌گونه منت منابع مورد نیاز نگارنده را تأمین کردند سپاسگزاری می‌نمایم.

همچنین مراتب تشکر خود را از سرکار خانم میثاق گودرزی رئیس مرکز اسناد و کتابخانه‌ی ملی قزوین که امکان دسترسی نگارنده به اسناد قمرالملوک وزیری را فراهم آوردند و دوست گرانقدر جناب آقای دکتر احسان شکراللهی طالقانی که زمینه‌ی آشنایی نگارنده با جناب آقای زارعی قدیم را فراهم آوردند تشکر نموده و برای همه‌ی عزیزان از درگاه الهی توفیق، شادی و تندرستی آرزومندم. «یا رب دعای خسته‌دلان مستجاب کن»

مهدی نورمحمدی

۱۰. پیام نوین، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۳۶ (۷۵ مسلسل)، بهمن ۱۳۴۳، ص ۱۴.